

شناسایی توانمندی‌های منطقه‌ای بنگاه‌های کوچک و متوسط (مطالعه موردی استان‌های منتخب) [۱]

وحید ناصحی فر

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

vahidnasehifar@yahoo.com

محمدرضا سعادت

پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

saadat.mohammad@gmail.com

زهرا عباسی

پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

zabbasi57@gmail.com

کوچک و متوسط می‌باشند، تنها ۱۷ درصد ارزش افزوده صنعت متعلق به آن‌ها است. براساس نتایج مطالعه برنامه‌ریزی در جهت هدایت بنگاه‌های کوچک و متوسط از وظایف دولت‌ها است و نقش کلیدی در موفقیت آن‌ها ایفا می‌کند. مشخص کردن گروه کالاها و خدماتی که بنگاه در تولید آن‌ها از مزیت بیشتری برخوردار است، از جمله این وظایف است.

در مقاله حاضر، ۱۰ گروه برتر از کالاها و خدمات دارای توانمندی منطقه‌ای در ۱۰ استان دارای بیشترین تعداد بنگاه‌های کوچک و متوسط شناسایی و بررسی می‌شوند. روش شناسایی ۱۰ گروه برتر کالاها و خدمات مزیت‌دار، روش امتیاز استاندارد شده و شاخص ناموزون موریس می‌باشند که بیشترین سنخیت را با شاخص‌های کلیدی تصمیم‌گیری در بنگاه‌های کوچک و متوسط دارند. در نهایت راه‌کارها و توصیه‌های سیاستی براساس

توانمندی منطقه‌ای / بنگاه‌های کوچک و متوسط / بهره‌وری / کاردهی / سودآوری / سرمایه‌بری / عدم وابستگی به منابع خارجی.

چکیده

اختصاص سهم بالایی از بنگاه‌های صنعتی کشور به بنگاه‌های کوچک و متوسط و نقش انکارناپذیر آن‌ها به ویژه در برخی از شاخص‌های اقتصادی از جمله سهم از صادرات و ارزش افزوده تولید در کشورهای صنعتی، کانون توجه اقتصاددانان را از بنگاه‌های بزرگ و صنعتی به سمت بنگاه‌های کوچک و متوسط سوق داده است. در کانادا ۹۸ درصد بنگاه‌ها کوچک و متوسط هستند و در ژاپن ۶۰ درصد صادرات صنایع متعلق به اینگونه بنگاه‌ها است. در ایران با وجود آنکه ۹۹ درصد بنگاه‌ها

گروه‌های کالایی شناسایی شده مطرح شده‌اند که از جمله می‌توان به استفاده از روش‌ها و ساختارهای حمایتی مختلف با توجه به تفاوت صنایع و در نظر داشتن شکل‌های مشخص و دقیق سیاستی به جای اشکال کلی و مبهم اشاره کرد.

مقدمه

رشد و گسترش تجارت جهانی در دهه‌های اخیر موجب افزایش سطح دسترسی کشورها به کالاها و خدمات متنوع، افزایش آگاهی مصرف‌کنندگان و در نتیجه تغییر ساختار تقاضای جهانی شده است. به طوری که دیگر صنایع بزرگ انعطاف لازم

در جوابگویی به تنوع‌طلبی مصرف‌کنندگان را ندارند. این مساله زمینه رشد صنایع کوچک و متوسط را در سطح جهانی فراهم کرده است. امروزه صنایع کوچک در نوآوری و تولید محصولات جدید و همچنین اعمال روش‌های نوین در فرآیند تولید که منتهی به پایین آمدن هزینه می‌گردد، گوی سبقت را از صنایع بزرگ ربوده‌اند. بطوری که صنایع کوچک و متوسط استخوان‌بندی اقتصاد و صنعت بسیاری از کشورها را تشکیل می‌دهند. جدول (۱) اطلاعات مربوط به واحدهای صنعتی کوچک و متوسط را در برخی کشورهای جهان نشان می‌دهد.

جدول ۱- تعداد واحدهای کوچک و متوسط از کل واحدها

(برحسب درصد)

کشور	تعداد واحدهای صنعتی کوچک و متوسط از کل واحدهای صنعتی	سایر ویژگی‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط
ژاپن	۸۹	۶۰ درصد صادرات صنایع
کره جنوبی	۷۳	۴۲ درصد ارزش افزوده صنعت
هند	۷۹	۵۵ درصد کل صادرات
فیلیپین	۹۹٫۶	تعداد موسسات کوچک و متوسط از کل موسسات
کانادا	۹۷	تعداد شرکت‌های کوچک و متوسط تولیدی از کل شرکت‌های تولیدی
ایران	۹۹	تعداد بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط از کل بنگاه‌های اقتصادی
		۴۸ درصد شاغلین بخش خصوصی در صنایع کوچک و ۱۶ درصد در صنایع متوسط
		۶۸ درصد شاغلین
		۶۳ درصد شاغلین

مأخذ: Hernandez, 2007; Halabisky, 2006; Rumball, 2007

در این میان مشخص نمودن گروه‌هایی از کالاها و خدمات که بنگاه‌های کوچک و متوسط در تولید آن‌ها از ارزش افزوده، بهره‌وری و سودآوری بالاتری برخوردارند و به مواد اولیه خارجی کمتری نیاز دارند، می‌تواند به عنوان چراغ راهنمایی برای حرکت آن‌ها در یک مسیر و جهت مشخص و استفاده بهینه از منابع ملی شود. این گروه از کالاها و خدمات در اصطلاح کالاها و خدمات مزیت‌دار نامیده می‌شوند و شناسایی آن‌ها موجب استفاده مطلوب از منابع محدود به بهترین نحو است که موجب رشد تجارت،

سرمایه‌گذاری، بهره‌وری و در نتیجه رشد اقتصادی و بالا رفتن استانداردهای زندگی در کشور می‌شود. [۲]

روش‌ها و ابزارهای متفاوتی برای شناسایی کالاها و خدمات مزیت‌دار در بنگاه‌های کوچک و متوسط وجود دارند که از بین آن‌ها روش امتیازدهی استاندارد شده و شاخص ناموزون موریس براساس متغیرهای کلیدی تصمیم‌گیری در بنگاه‌ها کاربرد بیشتری دارند. در این مطالعه شناسایی و اولویت‌بندی ده گروه برتر کالاها و خدمات در بنگاه‌های کوچک و متوسط ایرانی در ده

استان منتخب، با استفاده از روش‌های مذکور انجام شده است و راهکارهای و توصیه‌های سیاستی براساس انتخاب گروه‌های کالایی مطرح شده است که می‌تواند مورد استفاده برنامه‌ریزان تجاری کشور قرار گیرد.

۱. مبانی نظری تحقیق

با تغییر ساختار تقاضای جهانی و افزایش تنوع‌طلبی مصرف‌کنندگان، از آنجا که صنایع بزرگ انعطاف لازم را در پاسخگویی به نیازهای جدید بازار جهانی نداشتند، تمایل زیادی به برون‌سپاری فرآیندهای تولیدی از خود نشان دادند. به ویژه کاهش اطمینان از روند بازار و هزینه‌های بالای نگهداری بخش‌های مختلف، بنگاه‌های بزرگ را برآن داشت تا به ادغام عمودی و جداکردن بخش‌های غیرضروری‌تر دست زنند. این تغییر و تحولات زمینه را برای رشد و گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط در سطح جهانی فراهم نمود.

با گذشت چند دهه صنایع کوچک در نوآوری و تولید محصولات جدید و همچنین اعمال روش‌های نوین در فرآیندهای تولیدی که منتهی به پایین آمدن هزینه و افزایش بهره‌وری گردد، گوی سبقت را از صنایع بزرگ ربودند [۳].

فناوری‌های جدید با به‌کارگیری ماشین‌آلات مدرن و چند منظوره زمینه را برای سرمایه‌بر شدن و کوچک‌سازی صنایع پیش از پیش فراهم نمود و از آنجا که توان اشتغال‌زایی مولد و سازنده صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ است، انگیزه دولت‌ها برای اعمال سیاست‌هایی در جهت گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط افزایش یافت.

روند کوچک‌سازی صنایع، منافع دوسویه برای صنعت به‌همراه داشت. به بنگاه‌های کوچک و متوسط کمک کرد تا ارزش افزوده خود را افزایش دهند و باعث شد صنایع بزرگ با واگذاری بخش‌های دیگر تولیدی به صنایع کوچک و اقماری بتوانند به تخصص‌های اصلی خود بازگردند و بخش قابل توجهی از نیازهای خود از طریق پیمانکاری تأمین نمایند. [۴] و [۵]

با وجود همه این دلایل توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط

مساله ساده‌ای نیست. معمولاً بنگاه‌ها نمی‌دانند بازار به چه کالاهایی نیاز دارد، وسعت آن چقدر است، چه زمانی به کالا نیاز است و چگونه باید آن را تحویل داد. به علاوه به دلیل ساختار خاص خود، اغلب آن‌ها از توان مالی اندکی برای انجام تحقیقات درخصوص محصول، بازار و برنامه‌ریزی رشد خود دارند. در این میان تعیین گروه کالا و خدماتی که مطابقت بیشتری با ویژگی‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط دارند، می‌تواند یک راه حل برای شناسایی و استفاده از توانمندی‌ها در کنار مشکلات عدیده‌ای که بر سر راه توسعه آن‌ها قرار دارد، باشد. در واقع تعیین گروه‌های کالا و خدمات مزیت‌دار یک راه برای استفاده از توانمندی‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط است.

شناسایی گروه‌های کالا و خدمات مزیت‌دار در بنگاه‌های کوچک و متوسط موجب قرار گرفتن فعالیت آن‌ها در یک جهت مشخص و با هدف و استراتژی معلوم، جلوگیری از به هدر رفتن منابع ملی، هم‌افزایی، تقویت و ارتقای پتانسیل‌های ملی و تشکیل خوشه‌های صنعتی می‌شود. [۶] و [۷]

بنابراین انتخاب گروه کالاها و خدمات مزیت‌دار باید به گونه‌ای باشد که نه تنها از منابع محدود ملی حداکثر استفاده مطلوب صورت گیرد و بنگاه‌ها را در جهت دستیابی به چشم‌انداز و اهداف ملی سوق دهد، بلکه در راستای استفاده از توانمندی‌های آن‌ها باشد.

بنابر مطالعات انجام شده در کشورهای ژاپن، کره جنوبی، تایوان، مالزی، سنگاپور، هند و ترکیه بیش از ۷۰ درصد از واحدهای صنعتی، واحدهای کوچک و متوسط هستند و نقش اساسی‌ای در اقتصاد ملی ایفا می‌کنند، به طوری که بیش از ۵۰ درصد از صادرات ملی، ۳۷ درصد از ارزش افزوده بخش صنعت و ۵۷ درصد شاغلین صنعتی متعلق به واحدهای صنعتی کوچک و متوسط در این کشورها هستند. جدول (۲) آمار مربوط به واحدهای صنعتی کوچک و متوسط در این کشورها و ایران را نشان می‌دهد.

جدول ۲- ویژگی‌ها و جایگاه صنایع کوچک و متوسط در توسعه صنعتی

(برحسب درصد)

کشور	تعداد واحدهای صنعتی کوچک و متوسط از کل واحدهای صنعتی	از صادرات	از ارزش تولیدات صنعتی	از ارزش افزوده صنعت	از شاغلین بخش صنعت
ژاپن	۸۹	۵۲	۳۳		۷۵
کره جنوبی	۷۳	۳۹ (از صادرات صنعتی)	۴۸	۴۳	۵۷
تایوان	۹۷	۶۷			
مالزی	۹۳		۵۲	۳۷	
سنگاپور	۹۴	۹۰	۵۹		۷۱
هند	۷۹	۵۵		۴۰	۸۲
ترکیه	۹۰	۶۳		۳۷	
ایران	۸		۲۰	۱۷	۱۹

۹۹ درصد از بنگاه‌های اقتصادی و ۶۳ درصد از شاغلین کل کشور متعلق به بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط است.

مأخذ: Rumbal, 2007; Halabisky, 2006; Hernandez, 2007

اقتصادی باشند. [۸]

۲. چهار چوب مفهومی

در کشور ما معیارهای اساسی که برای تعیین گروه کالاها و خدمات مزیت دار معرفی می‌شوند، باید ضمن نگاه به بیرون، منجر به حل معضلات فعلی صنعت و اقتصاد کشور و استفاده بهینه از منابع داخلی گردند. بنابر مطالعات انجام شده، در حال حاضر توجه به رشد جمعیت فعال و افزایش نرخ بیکاری، لزوم بهره‌برداری صحیح و مؤثر از منابع طبیعی داخلی و سرمایه‌ای کشور جهت رفع کمبودها، افزایش سهم بهره‌وری در رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در بخش صنعت از مهم‌ترین معیارهایی هستند که می‌توانند در راستای تأمین هدف اصلی این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته و سیاستگذاران صنعتی را در تعیین استراتژی مؤثر توسعه و در جهت دستیابی به مزیت‌های جدید و پویا یاری نمایند. به ویژه که براساس نظریه قطب‌های صنعتی و سرمایه‌گذاری محرک، شاخص‌های بهره‌وری، کاردهی، میزان وابستگی به منابع خارجی، سودآوری و سرمایه‌بری، پوششی کامل از متغیرهای کلیدی تصمیم‌گیری بنگاه را ارائه می‌دهند. [۹] و [۱۰]

در مطالعات تجربی مختلفی که در سال‌های گذشته با هدف شناسایی گروه کالاها و خدمات مزیت‌دار در سطح ملی انجام شده است، افزایش ارزش افزوده، بهره‌وری و اشتغال از مهم‌ترین شاخص‌های مطرح در انتخاب گروه کالاها و خدمات مزیت‌دار بوده‌اند.

ایجاد ارزش افزوده، گسترش اشتغال، افزایش سرمایه‌گذاری، کسب سود، استفاده از منابع اولیه موجود در کشور هر یک می‌تواند معیاری مناسب و مطلوب جهت انتخاب گروه کالاها و خدمات باشند. اما بهترین معیار کدام است؟ در صورتیکه اشتغال به عنوان معیار مناسب انتخاب شود، جهت‌گیری صنایع ملی به سمت صنایع صرفاً کاربر ولی با ارزش افزوده و بهره‌وری پایین سوق داده می‌شود. انتخاب معیار استفاده از منابع داخلی جهت تولید ممکن است موجب شود برخی از صنایع استراتژیک هرگز در سطح ملی ایجاد نشوند. سرمایه‌بر شدن صنایع بدون در اختیار داشتن نیروی انسانی متخصص امکانپذیر نیست. هدف قرار دادن افزایش سود در کوتاه‌مدت می‌تواند موجب کاهش نرخ سود بلندمدت و عدم سرمایه‌گذاری بهینه در منابع سازمان شود. بنابراین انتخاب یک معیار صرف می‌تواند موجب گمراهی شود و بهتر است مجموعه‌ای از معیارها انتخاب شوند تا صنایع منتخب از جنبه‌های مختلف دارای توجیه

در ادامه هر یک از این شاخص‌ها معرفی می‌شوند:

[۱۱] و [۱۲]

۱-۲. شاخص بهره‌وری: بهره‌وری که معمولاً برحسب ارزش افزوده سرانه بیان می‌شود، نقش مهمی در رشد تولید ناخالص داخلی کشورها ایفا می‌کند. به گزارش سازمان بهره‌وری آسیایی، در خلال سال‌های ۱۹۸۰ الی ۲۰۰۱ سهم بهره‌وری در رشد تولید ناخالص داخلی ژاپن ۹۴ درصد، مالزی ۲۶ درصد و هندوستان ۴۰ درصد است. در حالیکه این رقم در ایران تنها ۱۸ درصد است. افزایش مقداری این شاخص نشان‌دهنده ارتقای سطح تولید، کاهش هزینه‌ها، افزایش سطح سود و بالا رفتن توان رقابتی کالاهای تولیدی است. [۱۳] و [۱۴]

۲-۲. شاخص کاردهی: از نسبت ارزش افزوده صنعت (به معنی میزان کار انجام شده بر روی نهاده‌های صنعت) به ستاده شاخص کاردهی به دست می‌آید که میزان وسعت فعالیت صنعتی را به ازای یک واحد تولید نشان می‌دهد. در واقع این شاخص نشان می‌دهد که به ازای هر واحد از محصول تولید شده چه میزان تغییرات روی داده‌ها صورت گرفته و بر روی مواد اولیه پردازش شده است.

عموماً صنایعی که از کالاهای واسطه‌ای استفاده می‌کنند به دلیل فعالیت کمتری که در فراگرد تولید بر روی مواد انجام می‌دهند از شاخص کاردهی پایین‌تری برخوردارند و صنایعی که از نیروی کار و مواد اولیه بیشتری استفاده می‌کنند به دلیل وسعت فعالیت در فراگرد تولید و ایجاد تحرک زیاد دارای شاخص کاردهی بالاتری هستند. همچنین صنایعی که به دلیل برخورداری از سطح دانش فنی بالاتر، ارزش افزوده بیشتری را ایجاد می‌کنند، شاخص کاردهی در آن‌ها بالاتر است. [۱۵]

۲-۳. شاخص عدم وابستگی به منابع خارجی: این شاخص از نسبت مواد اولیه خارجی به کل منابع مورد استفاده در صنایع به دست می‌آید و هر چه این نسبت کوچکتر باشد، نشان از وابستگی کمتر صنعت به منابع خارجی است. توان واردات مواد اولیه در ایران به نرخ ارز، توان نقدینگی بنگاه‌ها، میزان تسهیلات بانکی، سرعت در گشایش اعتبار بانک‌ها، ثبات سیاسی، وجود امنیت داخلی و خارجی، درآمدهای نفتی، تقاضا برای صادرات صنعتی از سوی کشورهای دیگر، تقاضای داخلی، تغییرات در

قانون و مقررات وارداتی و بسیاری از عوامل دیگر بستگی دارد. تغییر در هر یک از عوامل فوق می‌تواند باعث تغییر در مقدار واردات مواد اولیه و تجهیزات صنعتی شود. بنابراین روند تولید بنگاه‌هایی که دارای وابستگی بالاتری به واردات هستند، متأثر از عوامل خارجی بوده و به دلیل بالا بودن درجه تأثیرپذیری دچار نوسانات اجتناب‌ناپذیری می‌شود.

۴-۳. شاخص سودآوری: سودآوری اساس تشکیل یک بنگاه اقتصادی است و ایجاد سرمایه‌گذاری جدید زمانی مقدور است که یک فعالیت از حداقل سود برخوردار باشد. شاخص سودآوری از تفاضل ارزش تولیدات و هزینه هر فعالیت تقسیم بر تعداد افراد شاغل در آن حاصل می‌شود. این شاخص می‌تواند نشان دهد که فعالیت‌ها تا چه حد دارای توان رقابتی هستند. عوامل مختلفی بر شاخص فوق مؤثر هستند که از جمله می‌توان موجودی انبار، هزینه‌های سرمایه‌گذاری، تغییرات دستمزدها و تغییرات نرخ بهره را نام برد. شاخص سودآوری در فعالیت‌هایی که بهره‌وری نیروی کار آن‌ها پایین است یا از ماشین‌آلات فرسوده استفاده می‌کنند، پایین‌تر از سایر صنایع است. [۱۶]

۵-۲. شاخص سرمایه‌بری: شاخص سرمایه‌بری بیان‌کننده میزان سرمایه‌بری هر صنعت است و از تفاضل ارزش افزوده صنعت و دستمزدهای پرداخت شده در هر فعالیت تقسیم بر میزان اشتغال در فعالیت حاصل می‌شود. در این مطالعه شاخص سرمایه‌بری، مثبت قلمداد می‌شود. به این معنی که هر اندازه سرمایه‌بری فعالیت صنعتی بیشتر باشد، بهتر است. این انتخاب به این دلیل است که براساس مطالعات انجام شده، به دلیل بالا بودن سطح دستمزد در ایران نسبت به کشورهای آسیای جنوب شرقی و چین، افزایش بهره‌وری صنعت با گسترش صنایع صرفاً کاربر ممکن نیست. از سویی ورود دانش فنی و تکنولوژی‌های نوین بدون کاربرد صنایع سرمایه‌بر امکان‌پذیر نخواهد بود.

بنابراین فعالیت‌هایی که از سهم ارزش افزوده بالاتر، بهره‌وری بیشتر، وابستگی کمتر به منابع خارجی، سودآوری بیشتر و سرمایه‌بری بیشتر برخوردارند، از نظر سرمایه‌گذاران کشور نسبت به سایر صنایع از اولویت بالاتری جهت سرمایه‌گذاری برخوردار هستند.

شاخص‌های تعریف شده به شکل ریاضی بر اساس تعاریف

فوق به شکل زیر هستند:

$$Vi/Li = \text{شاخص بهره‌وری}$$

$$Vi/Yi = \text{شاخص کاردهی}$$

$$1 - MFi/Mi = \text{شاخص عدم وابستگی به منابع خارجی}$$

$$(Yi - Ci)/Li = \text{شاخص سودآوری}$$

$$Ci = Wi + Ii$$

$$(Vi - Wi)/Li = \text{شاخص سرمایه‌بری}$$

$$Vi: \text{ارزش افزوده فعالیت صنعتی}$$

$$MFi: \text{ارزش مواد اولیه خارجی مصرف شده}$$

$$Wi: \text{جبران خدمات مزد و حقوق‌بگیران}$$

$$Li: \text{تعداد شاغلان}$$

$$Yi: \text{ارزش تولید}$$

$$Mi: \text{مواد خام و اولیه، ابزار، لوازم و ملزومات کم دوام مصرف}$$

شده

$$Ii: \text{سرمایه‌گذاری}$$

۳. متدولوژی تحقیق

براساس تعریف مرکز آمار ایران، کسب و کارها به چهار گروه طبقه‌بندی شده‌اند: کسب و کارهای ۱-۹ کارگر، ۱۰-۴۹ کارگر، ۵۰-۹۹ کارگر و بیش از ۱۰۰ نفر کارگر. مرکز آمار ایران فقط

جدول ۳- اولویت‌بندی استان‌های کشور از لحاظ بیشترین تعداد بنگاه‌های کوچک و متوسط

ردیف	نام استان	تعداد شرکت‌های (۱ تا ۵۰ نفر کارکن)
۱	تهران	۲۲.۵۲
۲	اصفهان	۱۰.۸۵
۳	آذربایجان شرقی	۷.۵۰
۴	خراسان رضوی	۵.۴۸
۵	مازندران	۵.۰۵
۶	فارس	۳.۹۸
۷	گیلان	۳.۶۶
۸	آذربایجان غربی	۳.۵۱
۹	خراسان جنوبی	۳.۰۰
۱۰	خوزستان	۲.۹۸
	جمع	۶۸.۵۴

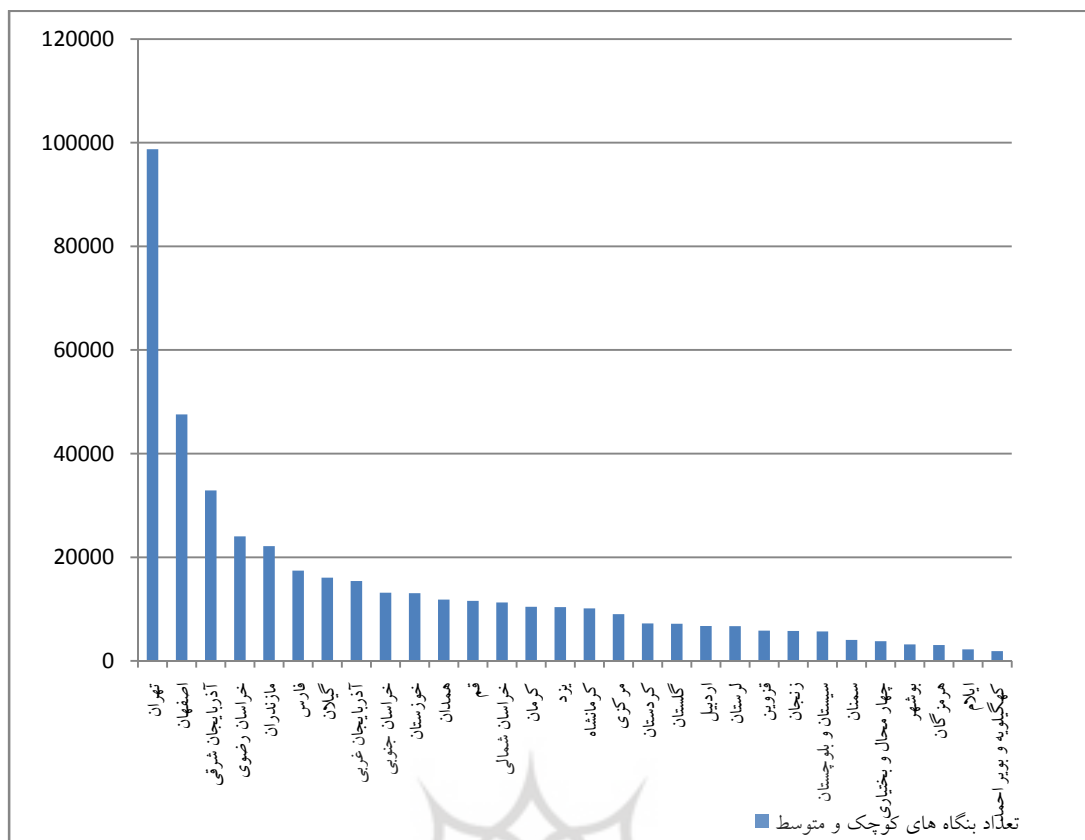
ماخذ: سعادت، ۱۳۸۶.

کسب و کارهایی با کمتر از ۵۰ نفر نیروی کار را بنگاه‌های کوچک و متوسط محسوب می‌نمایند و سایر کسب و کارها را «کارخانجات صنعتی بزرگ» قلمداد می‌کند. [۱۷]

در حال حاضر استان تهران با ۹۸۷۴۳ بنگاه، بیشترین تعداد بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور را دارا می‌باشد و پس از آن اصفهان و آذربایجان شرقی قرار دارند. کهگیلویه و بویر احمد با ۱۸۸۰ بنگاه، کمترین تعداد بنگاه‌های کوچک و متوسط را در کشور دارا است. [۱۷]

جدول ۳، ۱۰ استان اول کشور را از لحاظ بیشترین تعداد بنگاه‌های کوچک و متوسط نشان می‌دهد. بطور کلی براساس آمار استان‌های توسعه یافته‌تر، بنگاه‌های کوچک و متوسط بیشتری دارند.

در این مطالعه شناسایی ۱۰ گروه منتخب کالا و خدمات دارای بالاترین توانمندی منطقه‌ای در ۱۰ استان دارای بیشترین تعداد بنگاه‌های کوچک و متوسط، یعنی استان‌های تهران، اصفهان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، فارس، گیلان، مازندران و خوزستان مدنظر قرار گرفته‌اند.



ماخذ: سعادت، ۱۳۸۶.

نمودار ۱: رتبه بندی استان های کشور از نظر تعداد بنگاه های کوچک و متوسط

برای انجام محاسبات در ابتدا داده های اصلی مورد نظر در هر فعالیت (برحسب کدهای ISIC) که عبارتند از اشتغال، ارزش افزوده، ارزش داده ها، مواد اولیه، جبران خدمات، ارزش تولیدات و ارزش سرمایه گذاری در هر یک از ۱۰ استان مورد نظر جمع آوری شده و پس از انجام محاسبات متغیرهای اصلی به دست آمده است.

جدول ۴- اشتغال (تعداد)، ارزش افزوده، ارزش تولیدات و ارزش سرمایه گذاری (میلیارد ریال) بنگاه های

کوچک و متوسط در استان های منتخب

ردیف	نام استان	شاغلین	ارزش افزوده	ارزش تولیدات	ارزش سرمایه گذاری
۱	تهران	۷۱۲۲۷	۴۲۳۴۸	۱۱۷۶۰۸	۲۲۳۰۳
۲	اصفهان	۴۰۰۱۰	۲۷۹۴۸	۸۵۵۲۰۱	۳۲۸
۳	آذربایجان شرقی	۱۵۸۷۹	۱۲۴۴۰۱	۳۵۳۳۰۱	۱۴۵۰۳
۴	خراسان رضوی	۲۰۷۵۵	۱۷۱۰۰۵	۳۴۵۱۰۳	۱۴۳۰۳
۵	مازندران	۸۵۲۸	۸۶۳۰۱	۲۷۹۶۰۱	۹۵۰۸
۶	فارس	۱۰۴۷۵	۹۵۷۰۴	۲۳۸۹۰۹	۶۷۰۳
۷	گیلان	۹۳۷۶	۴۵۷۰۵	۱۳۵۴۰۷	۱۰۰۰۸
۸	آذربایجان غربی	۸۵۲۱	۵۵۰۰۷	۱۴۳۰۰۵	۱۳۱۰۶
۹	خراسان جنوبی	۱۱۵۵	۷۸۰۹	۲۹۲۰۷	۱۶۰۴
۱۰	خوزستان	۴۲۵۳	۳۷۷۰۱	۱۰۷۸۰۴	۹۲۰۵

ماخذ: سعادت، ۱۳۸۶.

پس از محاسبه متغیرهای اصلی، شاخص‌های بهره‌وری، کاردهی، عدم وابستگی به منابع خارجی، سودآوری و سرمایه‌بری محاسبه گردیده و با روش امتیاز استاندارد شده و روش ناموزون موريس رتبه‌بندی انجام شده است. این روش‌ها در ادامه معرفی می‌شوند:

۳-۱. روش امتیاز استاندارد شده

در این روش، نخست میزان همبستگی بین کلیه شاخص‌ها بررسی شده و سپس از میان آن‌ها شاخص‌هایی که کم‌ترین همبستگی را با یکدیگر دارند، انتخاب می‌شوند. پس از تعیین و انتخاب نهایی شاخص‌های مورد استفاده، برای آنکه بتوان این شاخص‌ها را با هم مقایسه و یا نتایج تلفیق آن‌ها را به صورت یک شاخص واحد به دست آورد، از روش امتیاز استاندارد شده استفاده می‌گردد. امتیاز استاندارد شده نیز همانند ضریب تغییرات، برای اندازه‌گیری میزان تفاوت‌های میان فعالیت‌ها کاربرد دارد، لیکن برخلاف روش ضریب تغییرات، نامتوازی توزیع را پنهان نمی‌کند و به این ترتیب تفاوت‌های مهم بین نواحی را آشکار می‌سازد، امتیاز استاندارد شده از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$Z_i = \frac{a_{ij} - \min(a_{ij})}{S(a_{ij})}$$

a_{ij} = عنصر مربوط به شاخص i و منطقه j

$\min(a_{ij})$ = میانگین مقدار شاخص برای کشورها

$S(a_{ij})$ = انحراف معیار شاخص

با توجه به اینکه در این روش، شاخص‌های انتخاب شده دارای اهمیت یکسانی هستند، امتیازات استاندارد شده هر یک از شاخص‌ها را برای فعالیت‌های مورد مطالعه به هم جمع و نتیجه بر تعداد کل شاخص‌ها تقسیم می‌شود. امتیاز به دست آمده معدل امتیازات استاندارد شده یا شاخص اهمیت فعالیت‌های مورد مطالعه است که به صورت یک شاخص واحد، امکان مقایسه فعالیت‌ها را از نظر اهمیت فراهم می‌کند. [۱۸]

۳-۲. شاخص ناموزون موريس: [۱۹] و [۲۰]

برای استفاده از شاخص ناموزون موريس از نتایج حاصل از روش امتیاز استاندارد شده به عنوان ورودی استفاده می‌شود.

به این ترتیب که امتیازات استاندارد شده هر یک از شاخص‌ها برای فعالیت‌های مورد مطالعه به عنوان ورودی این روش استفاده می‌شود.

سپس در این روش ماتریس شاخص‌ها تشکیل می‌شود که در آن سطرها بیانگر فعالیت‌ها و ستون‌ها بیانگر شاخص‌ها خواهد بود. سپس در ماتریس شاخص‌های محاسبه شده، میزان حداقل و حداکثر هر شاخص به دست می‌آید. به عبارت دیگر با محاسبه حداقل و حداکثر شاخص‌ها، دامنه فعالیت‌ها از نظر کلیه شاخص‌ها به دست می‌آید.

بدر نظر گرفتن مقادیر حداقل و حداکثر شاخص‌ها، شاخص هر فعالیت از طریق فرمول زیر به دست می‌آید:

$$I_{ij} = \frac{Max(IN_{ij}) - IN_{ij}}{Max(IN_{ij}) - Min(IN_{ij})}$$

I از نظر شاخص I میزان محرومیت استان I_j :

سپس برای به دست آوردن ضریب شاخص‌ها، مجموع مقادیر شاخص‌های محاسبه شده، بر تعداد شاخص‌های بکار رفته تقسیم می‌شوند:

$$D_{ij} = \frac{\sum I_{ij}}{n}$$

در نهایت شاخص ناموزون موريس از مابه تفاوت عدد یک از ضریب شاخص‌ها به دست خواهد آمد: $(BDI)_i = (1 - D_{ij})$

استفاده از مجموعه‌ای از شاخص‌ها (به عنوان شاخص ترکیبی) برای رتبه‌بندی مناطق بر حسب مزیت‌ها و توسعه یافتگی منطقه‌ای بسیار متداول است. همانطور که اشاره گردید روش‌های آماری مختلفی وجود دارد که به کمک آن‌ها می‌توان به طبقه‌بندی فعالیت‌ها پرداخت. متناسب با نوع تحقیق و شاخص‌های انتخاب شده بهترین روش برای شناسایی گروه‌های کالایی دارای مزیت نسبی استفاده از دو روش امتیاز استاندارد شده و شاخص ناموزون موريس است. به این ترتیب که در ابتدا ماتریس شاخص‌ها تشکیل می‌شود، سپس ماتریس حاصل شده استاندارد می‌شود و در ادامه سایر مراحل شاخص ناموزون موريس که عبارتند از محاسبه حداکثر و حداقل شاخص‌ها، محاسبه فرمول و محاسبه شاخص ناموزون موريس انجام

می‌دهد.

تجزیه و تحلیل

جدول (۵) درصد ارزش افزوده، ارزش ستانده‌ها و داده‌ها، مواد اولیه خارجی، تشکیل سرمایه ثابت، ارزش تولیدات (برحسب

جدول ۵- سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور از کل صنایع کشور در متغیرهای ارزش افزوده، ارزش**ستانده‌ها و داده‌ها، مواد اولیه خارجی، تشکیل سرمایه ثابت، ارزش تولیدات (برحسب درصد)**

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
درصد ارزش افزوده	۸/۵	۱۱/۷	۱۰/۴۵	۹/۷
درصد ارزش ستانده	۱۰/۵	۱۲/۹۵	۱۱/۵۶	۱۰/۵
درصد داده‌ها	۱۱/۹۷	۱۳/۸	۱۲/۲۶	۱۰/۹۸
درصد مواد اولیه خارجی	۶/۵	۵/۷۳	۵/۳۲	۴/۶۴
درصد تشکیل سرمایه ثابت	۱۱/۶	۱۲/۸۲	۱۱/۲۴	۱۲/۳۷
درصد ارزش تولیدات	۱۰/۳۱	۱۲/۶۹	۱۱/۲۷	۱۰/۲۶

ماخذ: سعادت، ۱۳۸۶

آهن، تولید سیم و کابل عایق‌بندی شده، کشتار دام و طیور، عمل‌آوری و حفاظت گوشت و فرآورده‌های گوشتی از فساد، دباغی و تکمیل چرم، تولید فرآورده‌های نفتی تصفیه شده، تولید محصولات اولیه آهن و فولاد، تولید فرستنده‌های تلویزیونی و رادیویی و دستگاه‌های مخصوص سیستم‌های ارتباط تلفنی و تلگرافی، تولید محصولات اساسی مسی و تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر. صنعت تولید و تعمیر تجهیزات راه آهن از نظر شاخص‌های بهره‌وری، عدم وابستگی، سودآوری و سرمایه‌بری رتبه‌های ۲، ۱، ۷ و ۲ را کسب نموده‌است که بسیار مطلوب‌اند.

ملاحظه می‌شود که قریب به ۱۰ درصد ارزش افزوده، ارزش ستانده‌ها و داده‌ها و ارزش تولیدات مربوط به بنگاه‌های کوچک و متوسط است و تنها ۴ درصد از کل مواد اولیه خارجی مصرف‌شده در صنایع کشور مرتبط به این بنگاه‌ها است. این امر نشان‌دهنده اهمیت جایگاه مؤثر بنگاه‌های کوچک و متوسط نسبت به کل صنایع در کشور است.

با کاربرد روش رتبه‌بندی اصلی ۱۰ گروه کالایی که رتبه‌های اول تا دهم را به خود اختصاص داده‌اند، در جدول ۶ مشخص شده‌اند. جهت مقایسه بهتر، رتبه‌ای که هر گروه کالایی در رتبه‌بندی انفرادی شاخص‌ها کسب نموده است، نیز بیان گردیده است. ۱۰ گروه کالایی برتر عبارتند از: تولید و تعمیر تجهیزات راه

جدول ۶- معرفی ۱۰ گروه کالایی برتر

رتبه‌بندی	رتبه‌بندی	رتبه‌بندی	رتبه‌بندی	رتبه‌بندی	رتبه‌بندی	نام فعالیت	کد فعالیت
نهایی	بهره‌وری	کاردی	عدم وابستگی	سودآوری	سرمایه‌بری		
۱	۲	۸۶	۱	۷	۲	تولید و تعمیر تجهیزات راه آهن	۳۵۲۰
۲	۵	۸۰	۱۷	۱۱	۵	تولید سیم و کابل عایق بندی شده	۳۱۳۰
۳	۱۶	۶۶	۵	۲۷	۱۴	کشتار دام و طیور	۱۵۱۵
۴	۸	۷۷	۲۳	۱۸	۱۱	عمل‌آوری و حفاظت گوشت و	۱۵۱۶

رتبه‌بندی سرمایه‌بری	رتبه‌بندی سودآوری	رتبه‌بندی عدم وابستگی	رتبه‌بندی کاردهی	رتبه‌بندی بهره‌وری	رتبه‌بندی نهایی	نام فعالیت	کد فعالیت
						فراورده‌های گوشتی از فساد	
۴	۳۳	۵۳	۴۳	۶	۵	دباغی و تکمیل چرم	۱۹۱۱
۶	۲۳	۲۷	۷۲	۱۱	۶	تولید فراورده‌های نفتی تصفیه شده	۲۳۲۰
۱۳	۱۲	۱۴	۸۷	۱۵	۷	تولید محصولات اولیه آهن و فولاد	۲۷۱۰
۱۰	۳۸	۵۷	۳۳	۴	۸	تولید فرستنده‌های تلویزیونی و رادیویی و دستگاه‌های مخصوص سیستم‌های ارتباط تلفنی و تلگرافی	۳۲۲۰
۲۰	۲	۳	۱۰۰	۱۷	۹	تولید محصولات اساسی مسی	۲۷۲۱
۱	۱۶	۷۸	۴۸	۱	۱۰	تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۲۶۹۹

ماخذ: سعادت، ۱۳۸۶

در سال‌های اخیر مشهود است.

در صنایع تولید فراورده‌های نفتی و تولید محصولات اولیه آهن و فولاد به دلیل برخورداری از مواد اولیه فراوان در کشور، در تولید محصولات متنوع خود دارای مزیت می‌باشند. به ویژه که که مزیت دسترسی به منابع انرژی ارزانتر در مقایسه با سایر کشورهای پیشرو در این زمینه همچون چین نیز برخوردار می‌باشند.

تولید محصولات اساسی مسی به دلیل سودآوری بالای این صنعت و عدم وابستگی آن به منابع اولیه خارجی است که می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد اشتغال و ارزش افزوده بالایی در صنعت محصولات اساسی مسی گردد، بسیار توجیه‌پذیر است.

در نهایت صنعت کانی‌های غیرفلزی دارای شاخه‌ها و رشته فعالیت‌های زیادی است که هر کدام از این شاخه‌ها می‌تواند به صورت جداگانه مورد توجه قرار گیرد و به عنوان یک فرصت مطرح باشد. کسب رتبه یک بهره‌وری و رتبه یک سرمایه‌بری نشان از اهمیت این صنعت قدیمی و اصیل در کشور دارد که در صورت بازاریابی مناسب می‌تواند رونق ویژه‌ای به بخش صادرات غیرنفتی کشور بخشد.

نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

مطالعه و بررسی انجام شده در خصوص بررسی توانمندی

صنعت تولید سیم و کابل عایق بندی شده علاوه بر آنکه به دلیل برخورداری از بهره‌وری و سرمایه‌بری بالا نسبت به سایر گروه‌های کالایی می‌تواند، نقشی کلیدی در گسترش صادرات نفتی ایجاد نماید، صنعتی کلیدی و پایه در داخل کشور نیز محسوب می‌شود و رشد و گسترش آن برای حرکت کشور به سمت صنعتی شدن امری لازم و ضروری است.

در خصوص صنعت کشتار دام و طیور، ایران به عنوان کشوری که در چند سال گذشته از انواع بیماری‌های دامی مصون مانده است، ثابت نموده که می‌تواند در زمینه تولید برآورده‌سازی نیاز مصرفی جهانی نقش مؤثری ایفا نماید. به ویژه که عدم وابستگی به منابع اولیه خارجی، نشان‌دهنده توانمندی بالقوه این صنعت از عدم نیاز به منابع خارجی و در نتیجه کنترل شرایط خارجی مؤثر بر صنعت و تضمین سلامتی و کیفیت نهایی محصولات است. همچنین صنعت تولید فراورده‌های گوشتی علاوه بر آنکه می‌تواند از جمله صنایع اصلی برای تأمین وعده غذایی اصلی خانوارها مطرح شوند، به دلیل ذبح اسلامی می‌تواند کشورهای اسلامی را به عنوان بازار هدف قرار دهد، به ویژه که رتبه مطلوبی را از نظر بهره‌وری و سودآوری کسب کرده است.

در صنعت دباغی و تکمیل چرم کسب رتبه شش بهره‌وری و رتبه چهار سرمایه‌بری، نشان از موقعیت مطلوب این صنعت است. ضمن آنکه روند صعودی ارزش صادرات کل زنجیره صنعت چرم

منطقه‌ای ده‌گروه کالای منتخب نشان می‌دهد، برخی از این گروه‌های کالایی در یک گروه قرار می‌گیرند، که در ادامه توضیح داده می‌شوند:

۱. کشتار دام و طیور و عمل‌آوری و حفاظت گوشت و فرآورده‌های گوشتی از فساد در یک زنجیره و صنعت قرار دارند و در واقع مکمل یکدیگرند هستند. برنامه‌ریزی جامع و بلندمدت برای هر یک از آن‌ها بدون توجه به دیگری امکان‌پذیر نیست. به علاوه اینکه توجه همزمان به هر دو سبب افزایش سودآوری صنعت و کاهش هزینه‌های تمام شده در تولید و صادرات محصولات نهایی‌شان می‌گردد. همچنین این دو گروه کالایی از سید کالاهای اساسی خانوار قرار دارند و تولید آن‌ها هم از جنبه برآورده‌سازی نیاز داخلی و هم از جنبه پوشش بازارهای هدف به ویژه کشورهای مسلمان حائز اهمیت است.

۲. صنعت دباغی و چرم هر چند متفاوت از کشتار دام و طیور و فرآورده‌های گوشتی است، اما مواد اولیه هر سه آن‌ها یک مورد مشترک یعنی دام است. در واقع چرم از پسماندهای صنعت کشتار دام و فرآورده‌های گوشتی استفاده می‌کند و قرار گرفتن آن در کنار دو صنعت قبلی نه تنها موجب افزایش سودآوری صنعت چرم و کاهش هزینه‌های جانبی آن می‌گردد، بلکه موجب تکمیل زنجیره ارزش تولید دام در کشور نیز هست.

۳. تولید محصولات اولیه آهن و فولاد و محصولات اساسی مسی صناعی هستند که کشور در تولید مواد اولیه مورد نیاز آن‌ها یعنی آهن، فولاد و مس به دلیل برخورداری از معادن غنی فلزی از مزیت برخوردار است. در حقیقت تولید محصولات نهایی آهن، فولاد و مس در کشور برای جلوگیری از صادرات مواد اولیه خام و از دست دادن ارزش افزوده محصول نهایی یک ضرورت است. لیکن برای کسب ارزش افزوده بالا منتج از تولید این مواد اولیه لازم است تا برنامه‌ریزی‌های دقیق و جامع تحت نظارت سازمان‌های متولی برای جهت دهی به بنگاه‌های کوچک و متوسط فعال

در این صنایع صورت گیرد، تا از هدر رفتن منابع ملی جلوگیری شود. به ویژه که محصولات منتج از این صنایع از جمله کالاهای اساسی و ضروری در صنعت محسوب می‌شوند و نیاز داخلی به آن‌ها انکارناپذیر است.

۴. تولید سیم و کابل و تولید فرستنده‌ها و دستگاه‌های ارتباطی هر دو در گروه صنایع مخابراتی و الکترونیکی هستند. همسویی و برنامه‌ریزی جامع برای رشد همزمان این صنایع سبب کاهش هزینه‌های انسانی، تولید و واردات دانش است. به علاوه، نیاز داخلی زیادی نیز به این محصولات وجود دارد. ۵. اگر از جنبه استفاده از منابع اولیه داخلی جهت جلوگیری از صادرات مواد خام به مساله نگاه شود، تولید فرآورده‌های نفتی نیز با تولید محصولات آهن، فولاد، مس، کانی‌های غیرفلزی و حتی سیم و کابل (به دلیل استفاده از مس به عنوان ماده اولیه) در یک گروه قرار می‌گیرد. و از آنجا که جهت‌گیری سیاست‌های صنعتی در ایران در راستای استفاده از منابع ملی و عدم صدور مواد اولیه خام بوده است، برخورداری گروه‌های منتخب از توانمندی منطقه‌ای کاملاً معقول و امکان‌پذیر است.

۶. اگر از جنبه دسترسی آسان و ارزان هر یک از این صنایع به مواد اولیه‌شان نگاه شود، ملاحظه می‌گردد، که توسعه صنعت راه‌آهن در کنار این صنایع یک ضرورت انکارناپذیر است.

۷. متأسفانه علیرغم سرمایه‌گذاری‌های ملی متعدد انجام شده در جهت تولید آهن، فولاد، مس، کانی غیرفلزی، فرآورده‌های نفتی و سایر موارد، تکمیل زنجیره و استفاده نهایی از محصولات نهایی هر یک از این گروه‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. گویا نگاه توسعه صنعت بر ابتدای زنجیره که تولید مواد اولیه بوده است متمرکز شده و ادامه آن که ساماندهی، حمایت و برنامه‌ریزی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط مشغول در هر یک بوده است، مورد توجه قرار نگرفته‌اند. توجه به هر یک از صنایع مذکور مانند ادامه راهی است که در دو دهه اخیر در ایران آغاز شده و اتصال آن به بازارهای بین‌المللی است.

3. Behrens 2002
4. Levy, 2004
5. Kotelnikov, 2007
6. Porter, 2007
7. Applegate, Austin, & Mcfarlan, 2003
8. Bell, 1999
9. Antara, 2006
10. harvie, 2008
11. development and Industrialization, 2007
12. UNIDO, 2003
13. p. shurchuluu, 2008
14. Alcorta, 1994
15. McIntyre, 2003
16. Argwal & Mandelker, 1987

۱۷. سالنامه آماری، ۱۳۸۷.

۱۸. مبینی دهکردی، ۱۳۸۵.

۱۹. هاشمیان، ۱۳۸۶ رییس دانا، ۱۳۸۲.

۲۰. محاسبات تحقیق، ۱۳۸۶.

منابع

- رییس دانا، ف، رتبه‌بندی صنایع کشور با توجه به ظرفیت تجارت خارجی هر صنعت، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۳۸۲.
- سالنامه آماری. تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷.
- سعادت، م، طرح جامع مطالعه موانع رشد تجاری و شناسایی ظرفیت‌های صادراتی بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور. تهران، ۱۳۸۶.
- مبینی دهکردی، ع. شناخت محیط ملی - اولویت‌های توسعه بخش‌ها در مناطق مختلف ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۵.
- هاشمیان. روش‌های تحلیل چند متغیره و کاربرد آن در سطح‌بندی استان‌های کشور. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۶.

- Alcorta, L. "The Impact of New Technologies on Scale in Manufacturing Industries: Issues and Evidence", *Worm Development*, 5, p22, 1994.
- Antara, A. L., Ministry Publishes Foreign Trade Directory for Small, Medium Enterprises, 2006.
- Applegate, L., Austin, r., & Mcfarlan, W.

۸. در صنعت کشتار دام، فرآورده‌های گوشتی و چرم از آنجا که در یک رده قرار می‌گیرند، می‌توانند تشکیل یک خوشه صادراتی بدهند.

راه‌کارهای پیشنهادی به دولت برای ارتقا کارآمدی بنگاه‌های تولیدی و خدماتی:

- در انتها به منظور حساس و نهادینه‌سازی کاربرد این نوع راه‌کارها در بنگاه‌های اقتصادی کشور توصیه می‌شود، دولت خطی‌مشی‌های ذیل را دنبال کند:
- استفاده از روش‌ها و ساختارهای حمایتی مختلف با توجه به تفاوت صنایع.
 - در نظر داشتن شکل‌های مشخص و دقیق سیاستی به جای اشکال کلی و مبهم سیاستی.
 - تلاش برای حصول اطمینان از یکپارچه و همسو بودن سیاست‌ها.
 - اصلاح نظام آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی کشور و ایجاد امکان تهیه آمار و اطلاعات تفصیلی از صنایع کوچک و متوسط.
 - انجام طرح تحقیقاتی گسترده در جهت شناسایی مناطق و محصولاتی که صنایع کوچک و متوسط در آن‌ها دارای توانمندی منطقه‌ای هستند.
 - انجام طرح‌های مستمر و دوره‌ای در جهت شناسایی نیازها و امکانات و قابلیت‌های رقابتی استان‌های مختلف کشور در زمینه صنایع کوچک و متوسط.
 - ارائه تعریفی جامع، فراگیر و واحد (متناسب با شرایط فرهنگی، بومی و اقتصادی کشور) از بنگاه‌های کوچک و متوسط.

پی‌نوشت

۱. این مقاله بر اساس طرح تحقیقاتی با عنوان «طرح جامع مطالعه موانع رشد تجاری و شناسایی ظرفیت‌های صادراتی بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور در مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی» تهیه و تنظیم شده است.

2. Porter, 2007

- Kotelnikov, V. Small and Medium Enterprises and ICT. Asia-Pacific Development Information Programme, 2007.
- Levy, M. Strategies for Growth in SMEs, 2004.
- McIntyre, R. J. Small and Medium Enterprises in Transitional Economies, 2003.
- p.Shurchuluu. National productivity and competitive strategies for the new millennium. Ulaanbaatar: National productivity and development center, 2003.
- Porter, M. Global Competitiveness Report 2007-08, World Economic Forum, 2007.
- Porter, M. The Competitive Advantage of Nations. New York: Free Press, 1990.
- Rumball, D. Case Studies of Collaborative Innovation in Canadian Small Firms, Small Business Policy Branch Industry Canada, 2007.
- Unido. Strategy Document to Enhance the Contribution of Small and Medium-Sized Enterprise Sector, 2003.
- "Corporate Information Strategy and Management", *Mcgraw-Hill*, 2003.
- Argwal, A., & Mandelker, G., "Managerial Incentives and Corporate Investment and Financing Decisions". *Journal of Finance*, 42, p823-837, 1987.
- Behrens, W. a. "Best Practice in Business Incubation: Lessons (yet to be) Learned" Frontiers of Entrepreneurship and Innovation, Reading in Science Park Policies and Practices. IASP, 2002.
- Bell, M. "Knowledge Systems and Technological Dynamism in Industrial Clusters in Developing Countries", *World Development*, 27, 1999.
- Berry, A. SME Competitiveness: The Power of Networking and Subcontracting. Washington, D.C, 1997.
- Halabisky, D. "The Growth Process in Firms: Job Creation by Firm Age", Small Business Policy Branch Industry Canada, 2006.
- Harvie, c. Small and Medium Enterprises in East Asia. Oecd, 2008.
- Hernandes, E. C. Determinants, Measures and Policies Supporting FDI by SMEs in the Philippines Undersecretary. Philippines: Department of Trade & Industry and Vice-Chairman and Managing Head, Board of Investments, 2007.

